

نشریه ادب و زبان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۱۹، شماره ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

پیوند و همگرایی آموزه‌های اسلامی با تعالیم عرفانی در حوزه نماز
(علمی - پژوهشی)*

دکتر حمید رضا سلیمانان^۱

چکیده

رویکردهای باطنی و شیوه‌های ژرف نگرانه به متون مقدّس و ارکان عبادی، از شاخصه‌های تفکر عرفانی است که البته هرگز به معنای غفلت از ظواهر دین و شریعت و تخطی از احکام شرعی نیست. این ادعا در بررسی نظریات و تعالیم عارفان در حوزه یکی از ارکان اعتقادی اسلام یعنی نماز، قابل بررسی است. در تعالیم عرفانی در کنار تبیین طریقت، حفظ ظواهر شریعت و مطابقت این تعالیم را با آموزه‌های اسلامی مندرج در منابع کتاب و سنت ملاحظه می‌کنیم به گونه‌ای که گویا برخی از این سخنان، ترجمان منابع فوق هستند. در مقاله حاضر، جایگاه و منزلت نماز، آثار و برکات نماز، عواقب تقصیر و تقاعد در نماز، سه محور اصلی بحث هستند که نخست به بررسی دیدگاه شریعت (از روی منابع کتاب و سنت) به آن پرداخته شده است آنگاه با توجه به ادبیات منظوم و منثور عرفانی سخنان عارفان را در این زمینه نقل کرده‌ایم و سپس میزان انطباق پذیری آموزه‌های اسلامی را با تعالیم عرفانی در این باب مورد سنجش و داوری قرار داده‌ایم.

تاریخ ارسال مقاله : ۱۳۹۳/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله : ۱۳۹۴/۰۵/۰۸

۱-استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه (نویسنده مسئول)

E-mail: hrsoleimanian@yahoo.com

واژه‌های کلیدی: نماز، عرفان، شریعت، کتاب و سنت.

۱- مقدمه

بعد معرفتی عرفان، شناخت بلاواسطه و مستقیم از سنخ علم حضوری است که طی آن عارف به مواجهه مستقیم با نفس حقیقت دست می‌یابد، اما بعد دیگر آن، نوعی قرائت باطنی مبتنی بر تأویل است و در عرض قرائت‌های فقهی، کلامی و... قرار می‌گیرد (رحیمیان، ۱۳۸۳: ۵). این جنبه از عرفان، از بطن و متن مجادلات عقیدتی در طول تاریخ پدید آمده است. به بیان دیگر موقعیت و جایگاه اندیشه‌های عرفانی، همواره مورد مذاقه و تشکیک بوده است و یکی از میدان‌های پرگیر و دار را به خود اختصاص داده است؛ به این صورت که شریعتمداران، اعتبار بخشی بیش از حد عرفان را به لایه‌های باطنی دین و دینداری (طریقت و حقیقت)، به معنای سهل انگاری و وانهادن شریعت می‌دانند و عرفان را اهل تساهل و تسامح می‌خوانند.

اما از سوی دیگر برخی منتقدان، خاستگاه عرفان را حکمتی کاملاً دینی و قرآنی می‌دانند؛ به گونه‌ای که گروهی از متفکران ایرانی، به دنبال تجربه ذوقی عمیقی که در پرتو ادراک و ویژه خود از کلام الله مجید، سخنان و سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع) و در مجموع آموزه‌های اسلامی حاصل کرده بودند، آن را پدید آوردند که بعدها به یک جریان نیرومند فکری با عنوان «عرفان و تصوف اسلامی» مبدل شد (ماسینیون، ۱۳۷۴: ۳ و نیکلسون، ۱۳۸۳: ۵۶ و کربن، ۱۳۵۲: ۲۳۶ و نوپا، ۱۳۷۳: ۱۰ و مطهری، بی تا، ۷۰).

۱-۱- بیان مسئله

میزان پایبندی به اصول شریعت یا آموزه‌های اسلامی - چه در حوزه مبانی تعلیمی و چه در عرصه عمل - از جمله سؤالات قابل پیگیری در حوزه پژوهش‌های عرفانی و از جمله نوشته حاضر است: نسبت عرفان با شریعت و میزان ربط آن، پیوند تعالیم عرفانی با آموزه‌های اسلامی یا عدم همگرایی و همسویی آن، میزان انطباق سفارش‌ها و توصیه‌های دینی - که از منابع کتاب و سنت برآمدنی است - با خوانش‌های ویژه عرفانی از ارکان

عبادی و فرائض شرعی، چیستی مقام و منزلت فریضه نماز در نگاه عرفا و بررسی تشابه یا تفاوت‌های آن با نظرات شریعتمداران از جمله مسائلی است که مقاله حاضر، جویای درک کامل تری از آن است.

روش پژوهش در پاسخ به پرسش‌های فوق، مطالعه گسترده منابع عرفانی در شاخه نظم و نشر، استخراج اندیشه‌های عرفا در حوزه نماز، تجزیه و تحلیل این داده‌ها و دسته بندی و چینش آنها در سه محور: جایگاه و منزلت نماز، آثار و برکات نماز، عواقب تقصیر و تقاعد در نماز، و در نهایت بررسی انطباق آنها با آموزه‌های اسلامی و در پایان، نتیجه گیری است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

درباره موضوع نماز از منظر اندیشه‌های عرفانی کتب و مقالاتی به نگارش درآمده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- آل اسحاق، محمد. (۱۳۷۷). *واگویی راز در آینه عرفان نماز*، چاپ اول، تهران: ستاد

اقامه نماز

- عباسی، فتح الله. (۱۳۸۱). *تفسیر عرفانی نماز در آثار مولانا جلال الدین بلخی*، چاپ

اول، قم: انتشارات سلسله

- علی پور، منوچهر. (۱۳۸۶). *نماز در چشم ابوسعید*، چاپ اول، تهران: انتشارات

تیرگان

- یلمه‌ها، احمدرضا. «نماز از دیدگاه عرفا»، فصلنامه ادیان و عرفان، سال چهارم، شماره

۱۷، ۱۳۸۷.

- سلیمانیان، حمیدرضا. «بررسی قرائت‌های عرفانی نماز در گستره ادبیات فارسی»،

فصلنامه ادبیات و هنر دینی، سازمان تبلیغات اسلامی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۹.

آنگونه که از عناوین آثار پدید آمده برآمدنی است، این نوشته‌ها با انگیزه نشان دادن

قرائت‌های عرفانی نماز به رشته تحریر درآمده‌اند و نویسندگان به بیان جنبه‌های باطنی

اندیشه‌های عرفانی در این باب بسنده کرده‌اند، حال آنکه در مقاله حاضر موضوع از

منظری دیگر و به قصد نشان دادن میزان انطباق اندیشه‌های عرفانی با ظواهر شریعت که از منابع کتاب و سنت برآمدنی است، ارائه گردیده است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

یکی از راه‌های شناخت بهتر عرفان و خاستگاه آن، بررسی و سنجش نقدهای بیرونی سایر مکاتب فکری بر اندیشه عرفانی به ویژه در باب تقابل یا همسویی تعالیم عرفانی با شریعت و نیز پاسخ‌هایی است که از جانب عرفا و یا محققان امروزی به این نقدها و شبهات داده شده است.

از جمله مهم‌ترین حوزه‌هایی که می‌توان در آن تشابه یا تفاوت تعالیم عرفانی با آموزه‌های اسلامی را به قضاوت نشست و در نهایت جایگاه آن را در منظومه فکری عرفا مشخص کرد، فریضه نماز است. تحقیق و پژوهش در باب گفتار عارفان در حوزه نظر و یا کردار آنان در حوزه عمل، در باب این فریضه الهی و دیگر فرائض دینی، تمایلات شریعتمدارانه عارفان و حفظ مقررات و ظواهر شرع و یا خلاف آن را با تعیین مصداق مشخص می‌نماید.

۲- بحث

با این مقدمات، نخست برجسته‌ترین آموزه‌های اسلامی در باب جایگاه و عظمت نماز، فوائد و برکات نماز، عواقب تقصیر و تقاعد در نماز را - که در آیات قرآن و سخنان معصومین (ع) بیان شده است - برمی‌شماریم و آنگاه با نگاهی به آثار بزرگان طریقت عرفانی، میزان همسانی مبانی نظری عرفان را با آموزه‌های اسلامی مورد سنجش قرار می‌دهیم.

۲-۱- منزلت نماز

قرآن در موارد متعدّد و به مناسبت‌های مختلف، از فریضه نماز سخن به میان آورده و مؤمنان را به این عبادت سازنده توجه داده است. تعبیری که نیز از زبان ائمه معصومین (ع)

در مورد نماز بیان شده است، هر کدام حکایت از عظمت این عبادت دارد. برخی از این تعابیر را به عنوان نمونه بیان می‌کنیم:

۲-۱-۱- نماز، رأس اسلام یا ستون دین

در سال دهم هجرت، پیامبر اکرم (ص)، معاذ بن جبل را به نمایندگی، به یمن فرستاد. در آستانه اعزام، پیامبر اکرم (ص)، برنامه تبلیغاتی او را مشخص فرمود که یکی از فزاینده‌های آن فرمان، در مورد نماز و اقامه آن است: «وَلَيَكُنْ أَكْثَرَ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِاللَّيْنِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۳۵)؛ و باید بیشترین همت خود را در ترویج و اقامه نماز به کار گیری چون پس از اقرار و اعتقاد به اصل دین، به منزله سر آن است. تعبیر دیگری که در مورد نماز در زبان پیشوایان دینی وجود دارد، نسبت آن را به دین چون ستون و عماد می‌داند: «قَالَ عَلِيُّ (ع): اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ» (نهج البلاغه: نامه ۴۷)؛ علی (ع) فرمود: از خداوند، در مورد نماز بترسید، زیرا نماز ستون دین شماست.

۲-۱-۲- برترین عمل

در روایات دیگری نماز به عنوان برترین عمل معرفی می‌شود: «قَالَ عَلِيُّ (ع): أَوْصِيكُمْ بِالصَّلَاةِ وَحِفْظِهَا فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۹ / ۲۰۹)؛ شما را به نماز و مراقبت از احکام و شرایط آن سفارش می‌کنم، زیرا نماز برترین عمل است. معاویه بن وهب گوید از امام صادق (ع) پرسیدم بالاترین و محبوب‌ترین چیزی که سبب می‌شود بندگان به وسیله آن به خدا نزدیک شوند چیست؟ حضرت فرمود: «مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ»؛ بعد از شناخت خدا چیزی را از این نماز برتر نمی‌دانم (ری شهری، ۱۳۹۱: ۷۲۲ / ۲).

۲-۱-۳- معیار پذیرش سایر اعمال

در تعالیم اسلامی، در حوزه عمل انسان، نماز محور اعمال به حساب می‌آید، به گونه ای که اگر نماز پذیرفته شود، سایر اعمال نیز پذیرفته خواهند شد: «قال الصادق (ع): أَوْلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ، رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۳ / ۲۲)؛ نخستین چیزی که در روز قیامت از بنده حسابرسی می‌شود نماز است پس اگر پذیرفته شد سایر اعمال او نیز پذیرفته می‌شود و چنانچه نماز او پذیرفته نشود، سایر اعمال او هم قبول نخواهد شد.

آموزه‌های طریقت عرفانی در حوزه نماز، به منزله تأیید و تصدیق شریعت و در ادامه آن است. آن گونه که گذشت عرفا با استناد به منابع کتاب و سنت هر کدام به نماز، با دیده اعظام نگریده‌اند و سخنان آنان را در راستای قرآن و حدیث می‌یابیم که به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

۲-۱-۴- نماز، عین اسلام، رکن اسلام، عماد مسلمانی

در ادبیات عرفانی، بیان فضایل نماز به گونه ای مبسوط یا در فصولی مستقل بخوبی هویدا است. در باب بیست و چهارم کتاب رساله قشیریه (قشیری، ۱۳۷۴) - اندر مراقبت - آمده است:

جریر بن عبدالله گوید: جبرئیل علیه السلام نزدیک پیغمبر صلی الله علیه و سلم آمد بر صورت مردی ... پیغمبر را علیه الصلوة و السلام گفت خبر گوی مرا از اسلام گفت نماز به پای داشتن و زکوة بدادن و حج کردن و روزه ماه رمضان داشتن (ص ۲۸۸).

غزالی در کتاب کیمیای سعادت (غزالی، ۱۳۷۸) در این باب می‌گوید:

بدان که نماز ستون مسلمانی است و بنیاد دین است، و پیشرو و سید همه عبادت‌ها است. هر که این پنج فریضه - به شرط خویش و به وقت خویش - به جای آورد، عهدی بسته آید وی را با حق - تعالی - که در امان و حمایت وی باشد. و چون کبائر را دست برداشت، هر گناه دیگر که بر وی رود این پنج نماز کفارت آن همه باشد ... و رسول (ص)

گفت نماز ستون دین است هر که دست برداشت، دین خود ویران کرد (۱ / ۱۵۹). در جای دیگر از همان کتاب آگاهی می‌دهد که «بدان که مقصود و لباب همه عبادت‌ها یاد کرد خدای - تعالی - است، که عماد مسلمانی نماز است، و مقصود از وی ذکر حق - تعالی - است (همان: ۲۵۲). شیخ احمد جام نامقی نیز در کتاب سراج السائرین (جام نامقی، ۱۳۶۸) پایداری خانه ایمان را در برپایی نماز می‌داند:

و این نماز چیزی است که رسول (ص) می‌فرماید الصلوة عمادُ الدین؛ چنان که خانه بی ستون بنماند، ایمان بی نماز بنماند. و چون نماز رنگ اخلاص ندارد مجاز باشد و هیچ را نشاید، و چون رنگ اخلاص دارد و از سر غفلت نکند نماز از گردن وی بیوفتد، و چون خشوع با زان یار گردد نماز نماز گردد، و فلاح پیدا آید و چون زهد با زان یار گردد اضعاف پیدا آید (ص ۷۱). عین القضاة همدانی در آثار خود به دریافت‌های ظریف از دریای قرآن و احادیث نبوی دست یازیده است. وی در نامه هفتادم، اشاره کرده است که: «بُئِيَ الاسلامُ على خمسٍ، شهادة أن لا إله إلا الله، و أن محمداً رسولُ الله، و اقام الصلاة و ايتاء الزكاة و صوم رمضان و حج البيت. علم بدین پنج رکن حاصل کردن، فرض عین است» (عین القضاة همدانی، ۱۳۷۷: ۷۲).

آنچه در منابع روایی از نماز با عنوان عمود دین یاد شده، به منزله شاه‌رگ حیات طیبه است که نماز گزار به دست خود، بنایی محکم بر می‌افزاید تا بر آن تکیه زده و کمر راست کند، لذا هر چه این ستون محکم‌تر بنا شود، بهره‌وری افزون خواهد بود. جامی می‌گوید

دین تو را نیست ستون جز نماز بهر قیامش چو ستون قد فراز
پشت تو آندم که ز طاعت دوتاست از پی این خیمه ستونست راست
(جامی، ۱۳۸۶: ۴۰۲).

۲-۱-۵- نماز، برترین عمل

قشیری با تأسی به سخن پیامبر (ص) در فضیلت نماز، عقیده خود را بیان نموده است: «ثوبان گوید مولی پیغامبر صلی الله علیه و سلم که پیغامبر گفت صلی الله علیه و سلم راست باشید و بدانید که بهترین دین شما نماز است...» (قشیری، ۱۳۷۴: ۳۱۷). در نظر شیخ جام

(جام نامقی، ۱۳۶۸) نماز یکی از شامل ترین احکام عبادی اسلام است و بسیاری از مراتب سلوک و مقامات عرفانی در نماز متمرکز شده است:

کارهای خدای تعالی همه نیکو است و فاضل است؛ اما نماز از همه فاضل تر است و بهتر است؛ زیرا که همه طاعت ها در نماز باز جای آید هم ذکر، هم فکر، و هم حفظ حواس، و هم رکوع، و هم سجود و هم تکبیر و هم تهلیل، و هم تسبیح، و هم قرائت، و هم استقبال قبله، و هم طهارت، و هم پاکی جامه، و هم پاکی جای، و هم خاموشی، و هم طعام ناخوردن، و هم شراب ناخوردن، و هم چشم و زلفان نگه داشتن، و دست نگه داشتن از گرفتن، و پای نگه داشتن از رفتن ناصواب، و هم راز کردن، و نیاز نمودن، و دعا کردن، و هم حاجت خواستن، و هم سنت رسول (ص) باز جای آوردن، و هم فرمان خدای نگه داشتن (ص ۷۲ و ۷۳).

غزالی در کتاب کیمیای سعادت (غزالی، ۱۳۷۸)، در مورد پاسخ پیامبر اسلام (ص) به صحابه و به استناد آن، فضیلت نماز را یادآور می شود و آن را پس از توحید محبوب ترین فریضه می داند:

پرسیدند که از کارها چه فاضل تر؟ گفت نماز به وقت خویش به پای داشتن و گفت کلید بهشت نماز است و گفت خدای تعالی بر بندگان خویش هیچ چیز فریضه نگردانید - پس از توحید - دوست تر نزدیک وی از نماز و اگر چیزی دوست تر از این داشتی فریشتگان خود را بدان مشغول داشتی که ایشان همه اندر نماز باشند - گروهی اندر رکوع و گروهی اندر سجود و گروهی بر پای و گروهی نشسته ... (۱ / ۱۵۹ و ۱۶۰).

شیخ احمد جام نامقی نیز همین مضمون را با همین استناد بیان می کند: «رسول (ص) از این جا گفت: دو رکعت نماز از آن کس که دنیا در دل وی سرد بود، بهتر از عبادت همه متعبدان مجتهد باشد تا به روز قیامت. نماز کننده آنگه راز کننده گردد که دل وی از دوستی دنیا فارغ گردد» (جام نامقی، ۱۳۶۸ : ۷۲). «پس چون به حقیقت بنگری همه عبادت ها در نماز باز جای آید پس سر همه طاعت ها نماز است، و همه فلاح ها و نجات ها

در نماز است. سئیل رسول الله (ص) أَيْ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ لَوْ قَتَبَهَا. پرسید که از کارها چه فاضل‌تر؟ مهتر (ص) جواب داد که نماز در وقت آن «همان: ۷۳».

۲-۱-۶- معیار پذیرش سایر اعمال

این موضوع نیز در آثار عرفانی (غزالی، ۱۳۷۸) به پیروی از منابع کتاب و سنت به وضوح بیان شده است:

گفت اول چیزی که نگاه کنند روز قیامت، نماز بود، اگر تمام باشد و به شرط بود، بپذیرند و دیگر عمل‌ها به تبعیت وی چنانکه باشد بپذیرند، و اگر ناقص بود بر روی وی باز زنند، با همه اعمال دیگرش. و رسول (ص) گفت هر که طهارت نیکو کند و نمازی به وقت خویش بگذارد، و رکوع و سجود وی نیکو به جای آرد، و به دل خاشع و متواضع باشد، نماز وی همی شود تا به عرش - سپید و روشن - و همی گوید که خدای - تعالی - ترا نگاه دارد، چنانکه تو مرا نگاه داشتی، و هر که نماز نه به وقت کند و طهارت نیکو نکند، و رکوع و سجود نیکو نکند، و خضوع و خشوع تمام در آن به جای نیارد، آن نماز همی شود تا به آسمان - سیاه و تاریک - و همی گوید: خدای - تعالی - ترا ضایع گرداناد، چنانکه تو مرا ضایع گذاشتی، تا آنکه که حق - تعالی - خواهد که نماز وی چون جامه خلق اندر هم بیچند و بر روی وی باز زنند (۱ / ۱۶۰).

«... هر که در مقام نماز درست آمد، در همه نیکویی‌ها بر وی گشاده شد. و در همه بدی‌ها بر وی بسته شد، و دیواز وی رمیده شد، و فرشته قرین وی گشت، و کار وی بالا گرفت، و رایت دولت او در ملکوت اعلی برافراشتند و او از آن قوم گردید که حق تعالی در مصحف مجید می گوید وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (جام نامقی، ۱۳۶۸: ۷۱).

۲-۱-۷- سایر اوصاف در بیان عظمت نماز

در زبان بزرگان عرفان، تعبیر و برداشت‌های زیبای دیگری در جهت تبیین بیشتر و بهتر جایگاه و مرتبت نماز وجود دارد. گرچه ذکر اوصافی چون «نماز، معراج مومن»، «نورِ الله»، «روشنایی چشم پیامبر (ص)» و «کلید بهشت» تکرار همان تعبیر قرآن و سنت است، اما عرفا ضمن بازخوانی این منابع، برداشت‌ها و استنباط‌های خود را بدان افزوده اند.

۲-۱-۸- معراج مؤمن

عارفان بر اساس آیاتی چون «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (حجر: ۹۹) و نیز احادیثی چون «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ»، عبادات، به‌ویژه نماز را به منزله دعوت به مشارکتی هر چند ضعیف در تجربیات پیامبر تلقی کرده اند. هجویری (هجویری، ۱۳۷۴) نماز را معراجی برای رسول اکرم (ص) می‌داند و در باب این حدیث که «يَا بَلَالُ أَقِمِ الصَّلَاةَ أَرْحَنًا بِهَا» (سجستانی، ۱۴۱۰: ۲ / ۴۷۴ و طبرانی، بی تا: ۶ / ۲۷۷ و متقی هندی، ۱۴۰۵: ۷ / ۲۹۴)، توضیح می‌دهد که:

چون رسول را صلعم به معراج بردند و به محل قرب رسانیدند نفسش از کون گسسته شد بدان درجه رسید کی دلش بود نفس به درجه دل رسید و دل به درجه جان و جان به محل سیر و سیر از درجات فانی کشت و از مقامات محو شد و از نشانی‌ها بی نشان ماند و اندر مشاهدت از مشاهدت غایب شد و از مغایبه برمید شرب انسانی متلاشی شد مادّت نفسانی بسوخت قوت طبیعی نیست گشت شواهد ربانی اندر ولایت خود از خود به خود نماند معنی به معنی رسید و اندر کشف لم یزل محو شد بی اختیار خود به تشوقی اختیار کرد گفت بار خدایا مرا بدان سرای بلا باز مبر و اندر بند طبع و هوا مکن فرمان آمد که حکم ما چنین است کی باز گردی با دنیا مر اقامت شرع را تا ترا اینجا آنچه بداده ایم آنجا هم بدهیم چون به دنیا باز آمد هر گاه که دلش مشتاق آن مقام معلا و معالی گشتی گفتی أرحنا یا بلال بالصَّلَاةِ پس هر نمازی وی را معراجی بودی و قربتی خلق ورا اندر نماز دیدی جان وی اندر نماز بودی و دلش اندر نیاز و سرش اندر پرواز و نفسش اندر گداز تا قره

العین وی نماز شدی تنش اندر ملک بودی جان اندر ملکوت. تنش انسی بود و جانش اندر محل أنس (هجویری، ۱۳۷۴: ۳۸۹).

بیان اشتیاق نبی مکرم اسلام (ص) به مقام معراج از شاهراه نماز، موضوعی است که در بیان عین القضاة همدانی هم آمده است: «سید را - صلوات الله و سلامه علیه - هر لحظه و هر لمحّه خود هر دو حالت که گفته شد بودی. وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ خبر ده این معنیست. چون خواستی که زبانش از دل شنود. گفتی أرحنا یا بلال ما را از خودی خود ساعتی با حقیقت ده» (عین القضاة، ۱۳۷۷: ۱۶).

۲-۱-۹- روشنی چشم پیامبر (ص)

پیامبر اکرم (ص) عشق و محبت خود را به نماز، چنین بیان می‌فرمایند که: «حُبَّ الیِّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: النِّسَاءُ وَ الطَّيِّبُ وَ جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۹ / ۲۱۱)؛ نزد من سه چیز محبوب است: زنان و بوی خوش و مایه روشنی چشمانم در نماز است.

میبدی (میبدی، ۱۳۸۹) برداشت عرفانی خود را از حدیث پیامبر در باره جایگاه نماز بدین صورت بیان می‌کند:

و رسول عم گفت جعلت قرّة عینی فی الصلوة روشنائی چشم من اندر نماز نهاده اند یعنی همه راحت من اندر نمازست از آنچه مشرب اهل استقامت اندر نماز بود ... مصطفی از هیچ مقام آن نشان نداد که از نماز داد، به آن چه گفت: روشنائی چشم من از میان نواخت‌ها و نیکویی‌ها مشغولی به وی است و راز داری با وی.

اینک دل من، تو در میانش بنگر تا هست به جز تو هیچ مقصود دگر؟»

(میبدی، ۱۳۸۹: ۱۶۰/۱)

از دیدگاه عین القضاة (عین القضاة همدانی، ۱۳۸۹)، پیامبر اسلام (ص) که ذره ای از مهر دنیا را بر دل نداشت، همین محبوب‌های سه گانه، قالب او را در بند کرده بود تا زحمت هدایت خلق اختیار کند:

حُبِّ الیِّ مِنْ دُنْیَاكُمْ ثَلَاثَةٌ، همین معنی دارد که اگر نماز و طیب و نسا را محبوب او نکردندی، ذرّه‌ای در دنیا قرار نگرفتی. این محبت سه گانه را بند قلب او کردند تا شصت و اند سال زحمت خلق اختیار کرد؛ و اگر نه دنیا از کجا و او از کجا؟ و خلق از کجا و همت محمد از کجا؟ (عین القضاة همدانی، ۱۳۸۹: ۱۰۷ و ۱۰۸).

۲-۱-۱۰- کلید بهشت

از دیگر اوصاف و تعبیرات نماز که از زبان پارسایان طریقت عرفانی بیان شده است، شرح و تفسیر این حدیث پیامبر (ص) است که «الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ، وَالْوُضُوءُ مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ، وَالصَّلَاةُ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ» (نهج الفصاحه، حدیث ۱۵۷۷، ص ۲۳۳)؛ دعا کلید رحمت، وضو کلید نماز و نماز کلید بهشت است. در نامه‌های عین القضاة آمده است: «مفتاح الصلاة الطهور و مفتاح الجنة الصلاة. مصطفا (ع) می گوید لاجرم چون به نماز رسیدند، به بهشت رسیدند. راه مردان این بود (عین القضاة همدانی، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۴۰). در اشعار باباطاهر همدانی توفیق نماز و یادکرد حق تعالی، نوعی بهشت جاودان قلمداد شده است.

خوشا آنان که الله یارشان بی که حمد و قل هو الله کارشان بی
خوشا آنان که دائم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی
(به نقل از اذکایی، ۱۳۷۵: ۲۶۲)

۲-۲- آثار و برکات نماز

۲-۲-۱- بازدارنده از زشتی‌ها، ایجاد مصوتیت

ماهیت نماز سخن گفتن با خدا و استعانت از وی در جهت هدایت در صراط مستقیم است و بنابراین دارای اثر بازدارندگی از زشتی‌ها و انحرافات است. از این رو خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت: ۴۵). در این آیه، تلاوت قرآن و اقامه نماز - به عنوان دو عامل بازدارنده از منکر - به پیامبر (ص) دستور داده شده است.

۲-۲-۲- وسیلهٔ فلاح و رستگاری

گرچه از سویی نماز خاصیت بازدارندگی از منکر را داراست، از دیگر سو فلاح و کمال آدمی بدان وابسته است. قرآن کریم در آیات خود (مومنون: ۱ و ۲، حج: ۷۷، جمعه: ۱۰، فاطر: ۲۹، اعراف: ۱۷۰)، عوامل دستیابی به فلاح و رستگاری را بیان کرده است که از جمله آنها ذکر و نماز است.

۲-۲-۳- یادِ خداوند

یاد خدا و ذکر او از روی خلوص نیت، توجه به خدا را در پی دارد. با توجه به ملازمت یادکرد خدا (ذکر) و فریضه نماز (صلوات)، در آیات متعدّد قرآن (نساء: ۱۰۳، مائده: ۹۱، هود: ۱۱۴، طه: ۱۴، عنکبوت: ۴۵)، می‌توان گفت، نماز از هر عملی که عبودیت بنده را مُمثّل کند و ذکر خدای را در زبان او جلوه گر سازد، ارزشمندتر است.

۲-۲-۴- وسیلهٔ تقرّب به خداوند

آنچه انسان را از مُلک به ملکوت عروج می‌دهد، نردبانی به نام نماز است. انسان به هنگام نماز، حجاب‌های ظلمانی جهان مادی را کنار می‌زند، موانع و جاذبه‌های عالم سفلی را به یک سو می‌نهد تا به عالم علوی راه یابد تا بی‌واسطه با جان جهان سخن گوید و به مقام قرب الهی نایل گردد و از اینجاست که امام علی (ع) می‌فرمایند «الصَّلوةُ قِرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۳۶). قدر مشترک تمام نظام‌های دینی و عرفانی، ایمان به عالم باطن یا عالم غیب است به طوری که در قرآن تصریح «يَوْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره: ۳) جزء اوصاف متقین ذکر شده است. عرفا راه مشاهده عالم غیب (مکاشفه) را بندگی و سیر و سلوک (مجاهده) می‌دانند. از این جاست که بُعد دیگر عرفان (عرفان به مثابه روش) پیش می‌آید. به این معنا که، در پی یافتن آن بینش قلبی و باطنی (عرفان به مثابه بینش)، عرفان مقید به قید عملی می‌شود و به نوعی سلوک و آداب طریقتی تبدیل می‌شود. (برنجکار، ۱۳۸۴: ۱۴۳). نقش کلیدی عبادات از اینجا هویدا می‌گردد. شاکله عرفان عبارت است از اقبال به حق و انقطاع از ماسوای حق و نماز آینه تمام نمای این معناست. لذا

آموزه‌های اسلامی در باره نماز را کم و بیش همسان و همسنگ با توصیه‌های عرفانی می‌یابیم که اهمّ آنان، از این قرار است:

۲-۲-۵- بازدارنده از زشتی‌ها، ایجاد مصونیت

سرّ این که نماز، پالاینده آلودگی‌ها و تاریکی‌های روح و بازدارنده از فحشاء و منکرات است، آن است که این فریضه الهی آداب، شرایط و مقدماتی دارد. از آنجا که بنده در حال نماز متوجه جلال الهی و برآستان حضرت حق جلّ و علا قرار دارد و آن ساحتی است طیب و طاهر و منزّه از جمیع شوائب نقص، واجب است که نمازگزار پاک باشد تا لیاقت هم صحبتی با کردگار را پیدا کند. شیخ احمد جام نامقی این پاکی و طهارت را فقط در معنای ظاهری آن نمی‌داند بلکه طهارت به آب توبه و مصفا کردن روح و جان:

اگر می‌خواهی که مقام نمازکنندگان یابی و از نماز فرا راز آیی، اول باری طهارتی پاک بیار. نه از آب می‌گوییم! طهارتی بیار از توبه، و از چنین نماز کردن توبه کن که در روزی چند بار بگویی که: یارب توبه کردم این توبه به از این کن. نمی‌شنوی رسول می‌فرماید مَنْ دَعَانِي بِالْغَفْلَةِ اجَبْتُهُ بِالْعَنَةِ. تا کی از این توبه به رسم، و از نماز به عادت، و از ذکر به غفلت؟! توبه ای به حقیقت بکن، و کار از سر گیر. پس آنگه به لب آب رو و غسلی بکن با ندامت و حسرت، و در مسجد آبی با تشویر و خجالت تمام، و به حضرت او فرست، و از سر شرم و تشویر و خجالت و ضعف و درد دل و سوز معرفت و صدق و اخلاص دست بردار، و جمله مخلوقات را با پس پشت کن، و کل دنیا و عقبی را در زیر قدم آر، و از سر این کوی زفان صدق بگشای و تکبیر بکن» (جام نامقی، ۱۳۶۸: ۶۹ و ۷۰).

نماز مطهّر و پاک است. سنایی اصل و فرع نماز را تطهیر و پاکی (انجام غسل و وضو) می‌داند و معتقد است نماز چون دارو برای رفع امراض است که ناپاکی‌های وصال به حق را می‌زداید:

اصل و فرع نماز غسل و وضوست صحّت داء معضل از داروست
تا به جاروب لا نروبی راه نرسی در سرای الا الله

چون تو را از تو دل برانگیزد پس نماز از نیاز برخیزد
(سنایی، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

از نظر شبستری، نماز حقیقی که کمال وصل است موقوف است به محو و پاکی تمامی
رذایل نفسانی:

تو تا خود را به کلی در نبازی نمازت کی شود هرگز نمازی
چو ذات پاک گردد از همه شین نمازت گردد آنکه قرّة العین
(شبستری، ۱۳۷۱: ۴۴).

۲-۲-۶- وسیله فلاح و رستگاری

رشیدالدین میبدی، تزکیه و شهادت به زبان و عمل به وسیله نماز را از ارکان ایمان و
وسيلة نجات و نجات می‌داند:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى، به پیروزی و نجات و نجات پیوست بنده ای که سه چیز به جای
آورد و آن سه چیز ارکان ایمان است: «تزکی» تصدیق است از میان جان، «و ذکر اسم ربّه»
شهادت است بر زبان، «فصلی» عمل است به ارکان و از اعمال نماز به ذکر مخصوص کرد،
زیرا که نماز، معظم اعمال است و بهینه احوال است» (میبدی، ۱۳۸۹: ۲ / ۱۳۲۶).... فَاِذَا
قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ، بدان که این نماز، رازی است میان بنده و خدا که در این راز هم نیاز است
و هم ناز، امروز نیاز است و فردا ناز. امروز رنج است و فردا گنج. امروز باری گران، فردا
روح و ریحان. امروز کدّ و کار و فردا کام و بازار. امروز رکوع و سجود و فردا وجود و
شهود. از شرف نماز است که رب العالمین صد و دو جایگه در قرآن ذکر آن کرده و آن
را سیزده نام نهاد: صلوات و قنوت و تسییح و کتاب و ذکر و رکوع و سجود و حمد و
استغفار و تکبیر و حسنات و باقیات» (همان: ۲۸۵).

در رساله قشیریه آمده است که نمازگزاران از جمله عابدانی هستند که در سایه خدایند:
«روایت کند از پیغامبر صلی الله علیه و سلم گفت هفت گروه اندر سایه خدای - تعالی -
باشند ... جوانی که اندر عبادت برآمده باشد و مردی که از مسجد بیرون آید دل وی باز
آنجا بود» (قشیری، ۱۳۷۴: ۳۰۲). از جمله آثار و برکاتی که در قرآن برای نماز ذکر شده،

این است که نماز وسیله نزول رحمت و مغفرت الهی است. «أَقِمْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (نور: آیه ۵۶). در تذکرة الاولیاء شیخ عطار در احوال جنید می‌خوانیم که «جریری گفت جنید را به خواب دیدم، گفتم خدای عزوجل با تو چه کرد؟ گفت رحمت کرد و آن همه اشارات و عبادات باد بُرد مگر آن دو رکعت نماز که در نیمه شب می‌کردم» (عطار، ۱۳۸۷: ۴۸۱).

۲-۲-۷- یاد خدا

آدمی به هر چیز بیشتر اقبال و توجه داشته باشد، همان نیز در ذهن و ضمیرش پر رنگ‌تر نقش می‌بندد. بدین ترتیب، شاید یکی از ثمرات آیه شریفه «وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال: ۴۵)، نقش یاد خدا در رستگاری انسان است. ذکر، یکی از آداب سلوک عرفانی و ارکان مهم تربیت و ارشاد است و اهمیت آن بدان جهت است که ذکر، روح و جان را از بی‌خبری و غفلت به خود آورده و زنگارهای ناشی از پرداختن به امور مادی را می‌زداید. به همین سبب عین القضاة ذکر را رزق خصوص [نه عموم] و رزق دل می‌شمارد. ذکر که نقطه مقابل غفلت است و باعث بصیرت و بینایی می‌شود «رزقی که عموم را بود دیگر است، و رزقی که خصوص را بود دیگر است. رزق عموم رزق معده بود و رزق خصوص رزق دل بود... و ذکر جز قوت دل نیست. لَذِكْرِی لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ، این بود» (عین القضاة، ۱۳۷۷: ۲ / ۹۰-۸۸).

اصحاب معرفت و اولیاء طریقت در قیام و قعود خود به گونه‌ای رفتار می‌کنند که لحظه‌ای از توجه به حق بازنمانند به عبارت دیگر مداومت در یاد خدا را از هر چیز فراتر می‌بینند که فلاح بدان وابسته است. غزالی می‌گوید:

و این یادکرد بر دوام می‌باید و اگر بر دوام نبود، در بیشتر احوال می‌باید که فلاح در وی بسته است و برای این گفت واذکر الله کثیراً لعلکم تفلحون، می‌گوید اگر امید فلاح می‌دارید کلید وی ذکر بسیار است نه اندک، و در بیشتر احوال نه کمتر» (غزالی، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۵۳).

۲-۲-۸- وسیله تقرّب به خدا

یکی از مهم‌ترین ثمرات عبادت، بلکه اساسی‌ترین آن تقرّب به ذات احدیّت است. قرّب به خداوند به معنای پیمودن مدارج کمال و مراتب هستی و از نظر رتبه وجودی و کمالی به کانون لایتناهی هستی نزدیک شدن است. انسان در اثر اطاعت و بندگی و عبادت پروردگار می‌تواند در مراتب کمال صعود کند و از مقام فرشته بالاتر رود و یا لااقل در حدّ فرشته از کمالات هستی بهره مند گردد. مولانا در حکایت کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار در جوی آب و ضمن تضمین آیه شریفه «... وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ» (علق: ۱۹) در ابیات خویش، قرّب حق یا همان وصال به ماء معین حقیقت را از طریق کوتاه کردن و ویرانی دیوار حجاب‌ها (= خواسته‌ها و مشتتهای نفسانی) می‌داند و آن را جز از طریق عبادات ممکن نمی‌داند.

بر لب جو بود دیواری بلند	بر سر دیوار، تشنه دردمند
مانعش از آب آن دیوار بود	از پی آب، او چو ماهی زار بود
ناگهان انداخت او خشتی در آب	بانگ آب آمد به گوشش چون خطاب
چون خطاب یار شیرین لذیذ	مست کرد آن بانگ آبش چون نیند
از صفای بانگ آب، آن ممتحن	گشت خشت انداز، از آنجا خشت کن
آب می‌زد بانگ، یعنی: هی تو را	فایده چه زین زدن خشتی مرا؟
تشنه گفت: آبا مرا دو فایده ست	من ازین صنعت ندارم هیچ دست
فایده اول سماع بانگ آب	کو بود مر تشنگان را چون رباب
فایده دیگر، که هر خشتی گزین	برکنم، آیم سوی ماء معین
پستی دیوار، قری می‌شود	فصل او درمان وصلی می‌بود
سجده آمد کردن خشت لذب	موجب قری که واسجد واقترّب

(دفتر دوّم، ب ۱۱۹۲ به بعد)

صاحب رساله قشیریه هم در نسبت تقرّب به خدا و طاعات و عبادات گوید: «قرب نزدیکی به طاعت و مُتَّصِف شدن اندر دوام اوقات به عبادت است» (قشیری، ۱۳۷۴: ۱۲۴).

۲-۳- نکوهش تقصیر و تقاعد در نماز

غفلت از معنویت و احساس حضور خدا و دور شدن از او، رشته حیات معنوی انسان را گسسته و موجب ناآرامی و سرگردانی او می‌شود. قرآن کریم در آیاتی (طه: ۱۲۴، زحرف: ۳۶) به این امر اشاره می‌کند. آنگونه که گفتیم نماز از مقوله یادِ خداست و بی‌اعتنایی به این امر، مصداق غفلت از وی و لذا به همان میزان که در منابع فرهنگ اسلامی در اجلال و اعظام نماز سخن رفته، بی‌توجهی به نماز را نکوهش کرده است که اهم آنها را نخست در قرآن و سپس در احادیث معصومین (ع) بررسی می‌کنیم:

در قرآن، چند گروه در ارتباط با نماز، مورد سرزنش قرار گرفته‌اند: افرادی که نماز را به بازی و تمسخر می‌گیرند (مائده: ۵۸)، کسانی که از روی کسالت و بدون نشاط، نماز را به جا می‌آورند (توبه: ۵۴) افرادی که با انگیزه ریا و تظاهر به نماز می‌ایستند و نماز گزارانی که نمازشان را سبک می‌شمرند (نساء: ۱۴۲)، کسانی که به پیروی از هوس‌ها، نماز را تباہ ساختند (مریم: ۵۹). نیز روایات بسیاری از کلام پیامبر (ص) و امامان معصومین (ع)، تبعات ترک نماز و بی‌اعتنایی به آن را گوشزد کرده و به این هشدارها متوجه ساخته‌اند:

۲-۳-۱- نماز، فاصله بین اسلام و کفر: پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «مَا

بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ الْكَافِرِ إِلَّا أَنْ يُتْرَكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۹ / ۱۲۶)؛ بین مسلمان و کافر فاصله‌ای نیست، مگر این که مسلمان نماز واجب را عمدتاً ترک کند یا آن را بی‌اهمیت بداند و نخواند. همچنین امام باقر (ع) می‌فرماید: «لَا تَتَهَاوَنَ بِصَلَاتِكَ، فَإِنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ، (متقی هندی، ۱۴۰۵: ۷ / ۳۲۷)؛ نسبت به نماز بی‌اعتنا مباش و آن را سبک و ناچیز بشمار، همانا که پیامبر خدا هنگام وفات خود فرمود از من نیست کسی که نمازش را سبک بشمارد.

۲-۳-۲- **دزدی از نماز بدترین دزدی‌ها:** نبی مکرم اسلام (ص) می‌فرمایند: «أَسْرَقَ النَّاسُ فَالَّذِي يَسْرِقُ مِنْ صَلَاتِهِ فَصَلَاتُهُ تُلْفُ كَمَا يُلْفُ الثَّوْبُ الْخَلِيقُ فَيَضْرِبُ بِهَا وَجْهَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۴ / ۲۵۷). بدترین دزد، کسی است که به خاطر شتاب زدگی از نماز خود می‌دزدد. نماز چنین کسی، همچون جامه‌مندرسی در هم پیچیده شده به صورت او پرتاب می‌گردد.

عرفان یا خداشناسی، شیوه غیر استدلالی معرفت خداست. به این معنا که حقیقتی را که انسان با تمام وجود، نسبت به آن آگاه بلکه جان آگاه است، یادآوری می‌کند. به عبارت دیگر روشنایی و شعور و نوری که در دل انسان‌ها نهاده شده است، از شاهراه بندگی و تسلیم احیا می‌کند. تسلیم و بندگی که اساس عرفان عملی است، رهایی از حجاب‌ها و پرده‌های غفلت را به انسان می‌آموزد. لذا از جمله آموزه‌ها و تعالیم عرفان، حضور دل در پیشگاه حق و پرهیز از غفلت است. سنایی غزنوی در بیان گفتگوی سفیان ثوری و بایزید بسطامی، غفلت و فراموشی یاد خدا را از زبان بایزید نوعی ظلم می‌داند:

ثوری از بایزید بسطامی	از پی طاعت و نکنونامی
کرد نیکو سئوالی و بگریست	گفت پیرا بگو که ظالم کیست
گفت ظالم کیست بد روزی	که یکی لحظه در شبانروزی
کنند از غافلی فراموششش	نبود بنده حلقه در گوشش
گر فراموش کردیش نفسی	ظالمی هرزه نیست چون تو کسی
آنچنان یاد کن که از دل و جان	نشوی غایب از زمین و زمان

(سنایی، ۱۳۸۷: ۹۵).

۲-۳-۳- نماز، فاصله بین کفر و ایمان

غزالی در کتاب کیمیای سعادت ضمن توجه به حدیث پیامبر (ص) در این مورد بی‌نمازی را چون هلاکت فردی تشنه در بیابان می‌داند که گرفتار بی‌آبی شده است: و گفت: هر که یک نماز به عمد دست بداشت؛ کافر گشت. یعنی نزدیک گشت بدان که اصل ایمان وی به خلل شود، چنانکه گویند هر که را اندر بادیه آب ضایع شد هلاک شد، یعنی نزدیک رسید به هلاکت و اندر خطر افتاد» (غزالی، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۶۰).

۲-۳-۴- دزدی از نماز، بدترین دزدی‌ها

شیخ احمد جام نامقی در این باب اشاره صریح به حدیث پیامبر دارد و در کتاب سراج السائرين می‌نویسد:

و هم رسول (ص) می‌فرماید أسوأ الناس سرقة من سرقة من الصلوة! قيل: يا رسول الله! وكيف يسرق من صلوته؟! قال: لا يُتِمُّ ركوعها و سجودها. پارسی خبر چنین باشد که رسول (ص)! می‌فرماید بدترین دزدان از مردمان آن است که نماز بدزدد گفتند یا رسول الله از نماز چون دزدد؟! گفت: رکوع و سجود آن تمام به جای نیارند (جام نامقی، ۱۳۶۸: ۶۹).

حکیم سنایی غزنوی در کتاب حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه، تقصیر در نماز (خواندن نماز به صورت نشسته) را نوعی دزدی در نماز می‌داند که اجر و مزدی شامل آن نمی‌شود و در قالب داستانی منظوم بیان می‌کند که

بوشعیب از قیام شب یک روز	گشت رنجور و بود وی معذور
آن شب از ضعف حال آن سره مرد	فرض و سنت نماز قاعد کرد
زن یکی قرص پیش شیخ نهاد	قطره ای سرکه داد و پیش نداد
شیخ گفت ای زن این وظیفه من	پیش از این است کم چرا شد زن؟
گفت زیرا نماز قاعد را	مزد یک نیمه است عابد را
چون تو نیمی عبادت بگزاری	جمله را مزد چشم چون داری

(سنایی، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

۳- نتیجه گیری

بازنگری تعالیم عرفانی در خلال ادبیات منظوم و مثنوی، نشان از توصیه به رعایت ظواهر شریعت و توجه به منبع عظیم آن یعنی قرآن کریم و سیره و سنت نبوی دارد. این التزام و شریعتمداری چه از ناحیه مبانی نظری و چه از جانب اعمال و انجام تکالیف شرعی، از اقوال متعدد و کیفیت سلوک آنان هویدا است. از جمله مهم‌ترین ارکان عبادی اسلام، نماز

است که در این حوزه نیز چون سایر اعمال عبادی، عنایت ویژه عارفان را در ضمن تعلیم عرفانی، در راستای کلی فرهنگ اسلامی می‌یابیم. حجم اعظم آموزه‌های اسلامی از روی منابع کتاب و سنت در باب عظمت و منزلت نماز، آثار و برکات نماز و نکوهش تقصیر و تقاعد این فریضه بزرگ الهی است. با دقت نظر در کتب تعلیمی عارفان، پیوند و همگرایی اندیشه‌های عرفانی را با تعلیم و حیانی می‌بینیم به صورتی که گویا الگوپذیری و تأسی آنان به کتاب و سنت، از روی این آثار هویداست و تعلیم عرفانی را ترجمه آثار فوق می‌یابیم.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

۱. قرآن مجید.
۲. نهج الفصاحه. (۱۳۸۷). متن و ترجمه فارسی محسن غرویان. چاپ دوم. قم: مؤسسه انتشارات عصر ظهور.
۳. نهج البلاغه. (۱۳۸۶). ترجمه محمد دشتی. چاپ دوم. قم: انتشارات طوبای محبت.
۴. ابن شعبه حرانی. (۱۳۷۶). رهاورد خرد (تحف العقول). ترجمه پرویز اتابکی. چاپ اول. تهران: انتشارات فروزان.
۵. ابن منوره، محمد بن ابی طاهر بن ابی سعید میهنی. (۱۳۶۶). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید. مقدمه تصحیح و تعلیقات دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی. چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
۶. اذکابی، پرویز. (۱۳۷۵). بابا طاهر نامه، هفده گفتار و گزینه اشعار. چاپ اول. تهران: انتشارات توس.
۷. انصاری هروی، خواجه عبدالله. (۱۳۶۲). طبقات الصوفیه، تقریرات خواجه عبدالله انصاری هروی. تصحیح و مقابله حواشی و فهارس از دکتر محمد سرور مولایی. چاپ اول. مشهد: انتشارات توس.
۸. برنجکار، رضا. (۱۳۸۴). آشنایی با علوم اسلامی. چاپ سوم. تهران: انتشارات سمت.

۹. بلخی رومی، مولانا جلال الدین محمد. (۱۳۷۸). **مثنوی معنوی**، ج ۲. به تصحیح قوام الدین خرّمشاهی. چاپ سوم. تهران: انتشارات دوستان.
۱۰. جام نامقی، احمد. (۱۳۶۸). **سراج السائرین**. تصحیح و توضیح دکتر علی فاضل. چاپ اول. مشهد: مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. جامی، نورالدین عبدالرحمان. (۱۳۸۶). **هفت اورنگ**. به تصحیح و مقدمه مرتضی مدرس گیلانی. چاپ دوم. تهران: انتشارات اهورا و مهتاب.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ ق). **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۳. رحیمیان، سعید. (۱۳۸۳). **مبانی نظری عرفان**. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. سجستانی، سلیمان بن الاشعث. (۱۴۱۰ ق). **سنن ابی داود**. ج ۲. چاپ اول. بیروت: انتشارات دارالفکر.
۱۵. سنایی غزنوی، محدود بن آدم. (۱۳۸۷). **حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه**. تصحیح محمد تقی مدرس رضوی. چاپ هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. شبستری، محمود. (۱۳۷۱). **گلشن راز**. به اهتمام احمد مجاهد و محسن کیانی. چاپ اول. تهران: انتشارات ما و انتشارات منوچهری.
۱۷. طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب اللخمی. (بی تا). **المعجم الکبیر**، ج ۶. چاپ دوم. قاهره: مکتبه ابن قیمیه.
۱۸. عطّار، فرید الدین. (۱۳۸۷). **تذکره الاولیاء**. به تصحیح و تحشیه رینولد آلن نیکلسون. بازنگری و اصلاح متن ترجمه مقدمه ها و تنظیم فهرست ها از ع. روح بخشان. چاپ سوم. تهران: انتشارات اساطیر.
۱۹. عین القضاة همدانی، عبدالله بن محمد. (۱۳۷۷). **نامه های عین القضاة همدانی**، ج ۳. به اهتمام دکتر علی نقی منزوی و عقیف عسیران. چاپ اول. تهران: نشر اساطیر.
۲۰. غزالی طوسی، ابوحامد محمد. (۱۳۷۸). **کیمیای سعادت**، ج ۲، به کوشش حسین خدیو جم. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. قشیری، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). **ترجمه رساله قشیریه**. با تصحیحات و استدراکات بدیع الزمان فروزانفر. چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۲. گرین، هانری. (۱۳۵۲). **تاریخ فلسفه اسلامی**. ترجمه اسدالله مبشری. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۳. ماسینیون، لویی. (۱۳۷۴). **سخن انالحق و عرفان حلاج**. ترجمه ضیاء الدین دهشیری. چاپ اول. تهران: انتشارات جامی.
۲۴. متقی هندی، علی بن حسام. (۱۴۰۵). **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**. چاپ پنجم. بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۵. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار**. چاپ دوم. بیروت. مؤسسه الوفاء.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۱). **منتخب میزان الحکمه با ترجمه فارسی**. ترجمه حمید رضا شیخی. چاپ یازدهم. قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
۲۷. مطهری، مرتضی. (بی تا). **آشنایی با علوم اسلامی، کلام و عرفان**. بدون نوبت چاپ. قم: انتشارات صدرا.
۲۸. میدی، رشید الدین. (۱۳۸۹). **ترجمه و تفسیر عرفانی قرآن کریم معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری**. به کوشش سید رضا باقریان موحد. چاپ دوم. تهران: انتشارات طویی.
۲۹. نیکلسون، رینولد الین. (۱۳۸۳). **عرفان عارفان مسلمان**. ترجمه اسدالله آزاد. چاپ دوم. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۰. نویا، پل. (۱۳۷۳). **تفسیر قرآنی و زبان عرفانی**. ترجمه اسماعیل سعادت. چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

